

گذری بر عوامل دخیل بر بزهکاری اطفال

کودکی‌های بر باد رفته

سیستماتیک کردن ساختار اجتماعی، یکی از راه‌های مهم پیشگیری بزهکاری نوجوانان است



عکس: آریستا

خشم درونی و رفتار پر خاشاگرانه، ناشکیبایی، نیاز به هیجان، فقدان هم‌حسی با دیگران و... البته برخی دانشمندان ضعف، کم‌خونی، خستگی زیاد و کمی تغذیه را نیز جزو عوامل بزهکاری می‌دانند که به اینها محدود نمی‌شود و می‌توان عوامل دیگری را نیز دخیل دانست؛ مهاجرت و حاشیه‌نشینی یکی از این عوامل است. برخی جرم‌شناسان معتقدند در شرایط امروزی مهاجرت‌های داخلی و بین‌المللی از عوامل عمده افزایش نرخ بزهکاری مخصوصا در میان نسل اول مهاجران است، همچنین پیشرفت و گسترش وسایل ارتباط جمعی می‌تواند از دیگر عوامل بزهکاری باشد.

جامعه و اطفال بزهکار

نحوه برخورد جامعه با این کودکان از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و بی‌شک می‌تواند در آینده آنها و به تبع آن جامعه تاثیر گذار باشد، چون واکنش نامناسب با این قشر سبب می‌شود در آینده‌ای نه‌چندان دور ما شاهد به‌وجود آمدن بزهکاران بالقظه باشیم، درحالی‌که واکنش مناسب، این ظرفیت را ایجاد می‌کند تا این کودکان به جامعه برگردند. یکی از این واکنش‌ها شاید رسیدگی با توجه به شرایط شخصیتی، سنی و روحی اطفال در محاکم باشد، چون نادیده گرفتن این مسأله می‌تواند در وهله نخست باری بر دوش قضات، دستگاه قضائی و جامعه باشد. در گام دیگر موجبات تقویت روحیه انزواطلبی، تعمق حس طرد و ریشه‌ای شدن حس عناد این قشر را نسبت به جامعه افزایش داده و می‌تواند نتیجه بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی باشد. به سبب اهمیت این مسأله است که لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان با دید جدیدی سعی کرده محسوس‌تر از گذشته قوانین مربوط به جرایم اطفال و نوجوانان را شفاف‌سازی کرده و براساس شرایط سنی آنها حدود کیفری‌شان را تعیین کند، البته در کنار این مسائل تخصیص شعب ویژه رسیدگی به این دسته از جرایم، بهره‌گیری از مشاور، نحوه تحقیق و تربیت رسیدگی، آرا و تصمیمات، تخفیفات و بهره‌گیری از کانون‌های اصلاح و تربیت و... نیز در نظر گرفته شده است.

همیشه به‌دنبال تأیید همسالان خود هستند و بیشتر این گروه سنی وابستگی و همانندسازی زیادی با همسالان‌شان دارند که اگر بسترهای اجتماعی می‌شود ناشی از عامل فقر است، عامل مهمی که زمینه‌ساز انحرافات از جمله دزدی و انحراف جنسی به‌ویژه در اطفال و نوجوانان است، نداشتن مسکن و زاغه‌نشینی، سوءتغذیه و بهداشت ناکافی با فقر در ارتباط هستند و از عوامل مهم بزهکاری به‌شمار می‌روند. نوجوانان

والدین در خانواده و... در واقع کودکی که نتواند با پدر و مادر خود همانندسازی مثبتی داشته باشد، هویت منفی می‌یابد، هویتی که سبب می‌شود هر آنچه جامعه به‌عنوان هنجار اجتماعی توصیه می‌کند را برعکس انجام دهد، چون اصولا دید منفی به همه موارد یافته است، البته خانواده تنها عامل نیست و جامعه نیز تاثیر کمتری از خانواده ندارد، چون جامعه‌ای که از پایداری برخوردار نیست

شاید به جرأت بتوان گفت خود کودک در آنها دخالتی ندارد؛ خانواده عاملی است که به اعتقاد جرم‌شناسان مهم‌ترین کانون آموزش بزهکاری اطفال است و به جرأت باید گفت موجبات ارتکاب جرم در جامعه را فراهم می‌سازد. خانواده‌هایی که در آنها یکی از این شرایط یا تعدادی از موارد حکمفرماست؛ تبعیض، خشونت، لوس‌کردن و توجه بیش از حد والدین، از دست دادن والدین، عدم حضور

کودکان و نوجوانانی که اصطلاح «بزهکار» را یدک می‌کشند؛ اصطلاحی که برای نخستین بار در انگلستان و در قرن ۱۹ مطرح و بعد از آن در تمام کشورها متداول شد. لایحه تأسیس دادگاه اطفال نیز در سال ۱۳۹۱ در شیکاگو به مجلس قانون‌گذاری تقدیم شد و در سال ۱۳۹۹ به تصویب رسید و دادگاه «ونور» نخستین دادگاه اطفال بود که رسماً شروع به کار کرد، البته در سال ۱۹۰۹ جوامع به اهمیت بررسی رفتار کودکان و نوجوانان پی بردند و موسسه «پسیکوپاتیک» نخستین موسسه‌ای بود که به این امر پرداخت و همکاری نزدیکی را با دادگاه اطفال شیکاگو شروع کرد. در ایران نیز طبق مصوب سال ۱۳۳۸ دادگاه اطفال راه‌اندازی شد.

زمینه‌سازان بزه و بزهکاری

این‌گونه نیست که کودکی روزی صبح از خواب بیدار شود و تصمیم بگیرد بزهکار شود؛ بلکه عوامل مختلف دست‌به‌دست هم می‌دهند تا کودکی را جامعه بزه بنامد. عواملی

یک عامل به تنهایی در بزهکاری دخیل نیست

| اردشیر گراوند | جامعه‌شناس

شخصیت هر فردی در خانواده شکل می‌گیرد اما نکته‌ای که گاهی فراموش می‌شود، این است که خانواده نیز متشکل از افرادی است که در همان اجتماع رشد و تربیت شده‌اند. اجتماع بستر عوامل گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و هر یک از این عوامل در حدواندازه‌های خود در تربیت اعضای جامعه دخیل هستند.

به‌عنوان مثال مسأله اقتصادی و شرایطی که این مبحث بر جامعه حاکم می‌کند، به فراخور خود بر زندگی اجتماعی و فردی افراد تاثیر می‌گذارد. مسأله‌ای که فقر و مهاجرت دو پدیده بارز آن هستند که هر دو در بزهکاری و شکل‌گیری آن دخیل است. در واقع بزهکاری نوجوانان مسأله‌ای است که یک عامل به تنهایی مسبب به وجود آمدن آن نیست و عوامل و شرایط مختلفی دست به دست هم می‌دهند تا جوامع چنین پدیده‌ای را داشته باشند.

پدیده‌ای که آسیب‌های بسیاری را در دل خود نهفته دارد و هزینه‌های گزافی را به جامعه تحمیل می‌کند. مهاجرت که حاشیه‌نشینی را به کلاتشهرها تحمیل می‌کند، به دلایل فرهنگی و اقتصادی زمینه‌ساز بزه و آسیب‌های اجتماعی می‌شود، البته تکنولوژی و وسایل ارتباط جمعی نیز امروزه یکی از عوامل به وجود آورنده بزهکاری هستند. این وسایل ارتباط جمعی سبب شده‌اند تا تبادل فرهنگی را به شکل مثبت و منفی شاهد باشیم اما گویا بُعد منفی آن مشهودتر است. شاید ریشه همه این عوامل را بتوان در هویت‌یابی نوجوانان یافت.

هویتی که از دوران قبل از مهدکودک شروع به شکل‌گیری می‌شود و در ادامه جامعه محدود مدرسه و بعد اجتماع به آن شکل می‌دهند. مسأله‌ای که نباید از نظر دور داشت، این است که جوامع نباید متکرر بزه و بزهکاری باشند، چون این رویه کارگشا نیست و سبب می‌شود جامعه در آینده با بزهکار بزرگسال روبه‌رو باشد، مسأله‌ای که سبب افزایش زندانیان و مشکلات مربوط به آن و هزینه‌های گزاف بر خانواده‌ها و جامعه و دولت‌ها می‌شود. هزینه‌ای که جوامع به نحای مختلف متحمل آن هستند و هر کدام در پی این هستند راه‌حلی برای کاهش آن بیابند.

نحوه برخورد با بزهکار نوجوان باید به تناسب سن و شخصیت این رده سنی باشد و شاید برای همین است که جوامع، اغلب زندان را برای بازپروری این گروه سنی در نظر نمی‌گیرند.



دیدن تفاوت‌های فردی و آموزش مهارت زندگی اجتماعی

| مصطفی تبریزی | روانشناس اجتماعی

در بررسی اکثر مسائل، ریشه‌های اجتماعی مشهود است، اما در این میان یک‌سری کارها عمدتاً دلایل اجتماعی دارند و گروه اندکی نیز ریشه در ژنتیک، البته دخیل بودن ژنتیک درصد بسیار پایینی دارد و در آمارها به حساب نمی‌آید. در بیماری‌های روانی ردهای دو عامل اجتماعی و فردی دیده می‌شود. زمانی که فرد در زندگی شخصی خود - خانواده و مدرسه - مورد خشونت قرار می‌گیرد به‌طور غیرمستقیم در شرایط یادگیری قرار می‌گیرد و تکرار این دست از مسائل سبب می‌شود فرد خشونت را امری عادی تلقی کند. کودکی که در خانواده مورد خشونت قرار می‌گیرد یا شاهد خشونت علیه دیگران است بی‌شک ناخودآگاه چنین رفتارهایی را مرتکب خواهد شد، چون جزو یادگیری‌هایش بوده است. کمبود محبت در خانواده نیز زمینه‌ساز بزهکاری است؛ کودکی که نامادری دارد یا از داشتن مهر پدری محروم است کاستی‌هایی خواهد داشت، اگرچه این عوامل به‌طور صددرصد مسبب نیستند اما سهم مهمی در بزهکاری اطفال و نوجوانان دارند. نوجوانانی که در خانواده‌های گسسته تربیت می‌شوند به نحای مختلف کینه‌ای به دل دارند و در پی انتقام هستند.

درواقع این کودکان و نوجوانان خشمی را که از دوران ابتدایی زندگی در درون خود داشته‌اند به افراد دیگر اجتماع انتقال می‌دهند و به‌نوعی در پی انتقام گرفتن از جامعه هستند. فقر خانواده نیز یکی دیگر از عوامل دخیل در بزهکاری نوجوانان است و مهاجرت نیز در کنار مسائل مختلفی که در پی خود دارد، موجبات بزهکاری نوجوانان را فراهم می‌آورد. بزهکاری نوجوانان مسأله‌ای نیست که بتوان با رف یک مانع آن را مرتفع کرد و دیگر شاهدش نبود. سیستماتیک‌کردن ساختار اجتماعی یکی از راه‌حل‌های اساسی در پیشگیری از بزهکاری به‌خصوص بزهکاری نوجوانان است. در واقع ساختار جامعه باید به‌گونه‌ای باشد که بزه در آن به وجود نیاید. هزاران سال است که جوامع فعالیت‌های گوناگونی را برای کم کردن یا از بین بردن فقر انجام می‌دهند اما بشر همچنان شاهد این پدیده است و دلیل آن این است که سیستماتیک به این مسأله پرداخته نشده است. برای ریشه‌کردن مشکلی باید مدیریت‌شده و سیستماتیک به آن پرداخت، چون در غیر این صورت نتایج خوب مقطعی را شاهد خواهیم بود اما از میان برداشتن مشکل عملی نخواهد شد.

برای این‌که جوامع بتوانند مسأله‌ای همچون بزه را ریشه‌کن کنند نیازمند این هستند که آموزش‌ها و زمینه‌سازی‌های لازم را قبل از دوره ابتدایی یعنی از مهدکودک‌ها شروع کنند. از همان دوران باید فرد با مسائل انساندوستی و محبت‌کردن و محبت‌دیدن آشنا شود؛ آموزشی که می‌تواند در قالب بازی یا داستان ارایه شود. در این شرایط کودک دشمن خارجی برای خود متصور نیست که در پی انتقام از آن باشد. یکی از وظایف جامعه این است که به کودکان و نوجوانان مهارت‌های انسانی و زندگی اجتماعی و فردی را بیاموزد. افراد باید از همان دوران مدرسه قوانین، چارچوب‌ها و مزایای رعایت آنها و زیان‌های فردی و اجتماعی زیرپا گذاشتن این قوانین را بیاموزند، البته نباید در تربیت خانواده و جامعه تعارضی وجود داشته باشد و باید‌ها و نباید‌ها و هنجارهای مشترکی به افراد در هر دو بخش آموزش داده شود. قدم دومی که جامعه باید در راستای آن گام بردارد، رعایت عدالت اقتصادی و اجتماعی است. در چنین شرایطی ناخودآگاه میزان بزهکاری در نوجوانان کاهش می‌یابد و به تبع آن همین نوجوانان بزهکارهای بزرگسال آینده نمی‌شوند. سیستم آموزش‌وپرورش در این مسیر می‌تواند کارگشا باشد. در سیستم آموزش‌وپرورش باید تفاوت‌های فردی در نظر گرفته شود، ما در مدارس با علاقی یکسان روبه‌رو نیستیم که از همه دانش‌آموزان توقع داریم در تمام دروس نمرات خوب بگیرند، مگر یک جامعه به چند فیزیکدان یا شیمی‌دان نیاز دارد؟ بی‌شک نهاده‌کنه مهربانی و دیگر دوستی و عدالت کارسازتر از آموزش دروس نظری خواهد بود.

باز آفرینی فرهنگی راه‌حل پیش‌رو

| حجت‌الاسلام غلامرضا صدیق‌اورعی | جامعه‌شناس

ضعف اجتماع در انتقال عقاید خودبه‌نسل‌های بعدی یکی از دلایلی است که باعث شده امروزه جوامع شاهد بزهکاری‌ها باشند. همین عدم انتقال عقاید سبب شده جوامع کجروی‌ها را داشته باشند و در کنترل آن نتوانند به خوبی ظاهر شوند و آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها را در سطوح مختلف به‌خصوص در میان نوجوانان داشته باشند. البته ناتوان ظاهر شدن در حیطه اجتماعی شدن نیز به‌این‌مسأله دامن زده‌است. در واقع جوامع انسانی نتوانسته‌اند مقوله‌های فکری، اندیشه‌ها، باورها، سنت‌ها و ارزش‌های اخلاقی خود را در میان اعضای‌شان نهادینه کنند و در کنار آن در تبدیل فرد غیراجتماعی به‌عضوی جامعه‌پذیر کوتاهی‌هایی داشته‌اند.

جامعه‌پذیری افراد یکی از اولویت‌ها و در قشر نوجوانان و جوانان یکی از ضرورت‌هایی است که باید مورد توجه قرار گیرد، ضرورتی که تفاوت‌انظرات، مطالبات و توقعات نسل‌ها باید دیده شود. به‌میزان کوتاهی یاضعفی که جوامع در انتقال پدیده‌ها و بنیادهای خود به‌نسل‌های جدید داشته‌اند، جامعه در معرض تنش‌ها قرار گرفته و در موارد حاد، بحران هویتی به‌وجود آمده سبب آسیب‌های جدی نوجوانان و جوانان می‌شود.

اجتماعی شدن اعضای جامعه دو بُعد فردی و اجتماعی دارد؛ دو بُعدی که در تکمیل یکدیگر جامعه‌پذیری فرد را ایجاد می‌کنند. در بُعد فردی، افراد می‌آموزند چطور در جمع زندگی کنند و در بُعد اجتماعی این جامعه است که به اعضای خود می‌آموزد چطور بین امور اجتماعی و زندگی اجتماعی خودنظم ایجاد کنند. نکته قابل‌تأمل در این زمینه مراقبت از آن است. افراد که تشکیل‌دهنده جوامع هستند در وهله نخست در خانواده مهارت‌هایی را می‌آموزند و برخی آموخته‌ها را نیز در ادامه در اجتماع کوچک مدرسه می‌آموزند؛ مهارت‌هایی که به افراد یاد می‌دهند چگونه در چارچوب‌های جامعه رفتار کنند، البته این یادگیری نباید به اجبار و تکلیف باشد، بلکه رویه در پیش گرفته در آن باید به‌گونه‌ای باشد که چارچوب‌ها در فرد نهادینه شود. در چنین حالتی شخص به‌طور طبیعی قانع می‌شود. هنجارهای جامعه‌ای را که در آن زیست می‌کند، رعایت کند. یکی از ویژگی‌های جهان امروز گستردگی و سهولت ارتباط است که وسایل ارتباط جمعی هر روز آن را سهل‌تر از گذشته در اختیار افراد قرار می‌دهند و همین عامل سبب شده جوامع در سطوح مختلف باشند و ضعف از دوگانگی فرهنگی رنج ببرند؛ دوگانگی که در کنار آشنایی با هنجارها و ناهنجاری‌های جوامع دیگر، دوگانگی اجتماعی را در پی دارد، البته برخی جوامع از این دوگانگی عبور کرده و چندگانگی را به‌نظاره‌نشسته‌اند و دلیل آن به‌نبود دستورالعملی برمی‌گردد که باید درونی شده و به شکل هنجار در آمده باشد، مسأله‌ای که در اکثر جوامع دیده نمی‌شود. وظیفه‌ای که باید در خانواده به‌نحو احسن انجام شود - پدر و مادری که به وظایف مستمر خود به خوبی عمل نمی‌کنند، نمی‌توانند فرد هموایی تربیت کنند و محصول تربیت آنان فردی کجرو است - در حال حاضر بزهکاری در میان نوجوانان در تمام جوامع مشترک است و برای همین گفت‌وگوی همگانی راه‌حل پیش‌روی آنهاست؛ گفت‌وگویی که باید به‌باز آفرینی فرهنگی منجر شود. یکی از راه‌های رسیدن به گفت‌وگوی همگانی، رسانه‌ها هستند تا پایه بحث کشیدن مسائل اجتماعی و زیرمجموعه‌های آن زمینه‌ساز ترکیب بزهکاری‌ها در جامعه باشند.

